

یورو در طول تاریخ ظهور خود با چه بحران‌هایی مواجه شده است؟

یورو برای اولین بار در تاریخ ۱ ژانویه سال ۱۹۹۹ به عنوان یک پول نامرئی و فقط به منظور اهداف مالی در حساب‌ها برای بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در ۱۱ کشور اروپایی عرضه شد؛ درست مانند پرداخت‌های الکترونیکی که به جای خود پول، فقط اعداد هستند که رد و بدل می‌شوند. در مورد تاریخچه و بحران یورو چه می‌دانیم؟

تاریخچه یورو

در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۰۲ اسکناس و سکه یورو به طور واقعی جایگزین اسکناس و سکه کشورهای اروپایی نظیر اتریش، بلژیک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، هلند، پرتغال و اسپانیا شد. در حال حاضر **واحد پولی یورو**، پول قانونی و رایج منطقه اروپا معروف به منطقه یورو (Eurozone) است که از ۱۷ کشور از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا تشکیل شده است. در حال حاضر نزدیک به ۸۸۰ میلیارد یورو پول نقد در منطقه یورو در حال گردش است.



ابداع و عرضه یورو از نظر تاریخی و سیاسی دارای سابقه طولانی است. ایده اتحادیه پولی و اقتصادی در اروپا به قبل از تشکیل جوامع اروپایی باز می‌گردد؛ برای مثال گوستاو استرسمن (Gustav Stresemann) در سال ۱۹۲۹ ایده استفاده از پول واحد در اروپا را مطرح کرده بود. با این وجود این یکی از جدیدترین سندهای تاریخی محسوب می‌شود که تاثیر زیادی هم روی ایجاد واحد پولی یورو داشته است.

نیکسون رییس جمهور ایالات متحده در سال ۱۹۷۱ استفاده از استاندار طلا را به عنوان پشتوانه دلار کنار گذاشت که در نهایت منجر به کاهش ارزش دلار شد. این شکست موجب شد امید بیشتری برای ایجاد یک اتحادیه پولی در اروپا شکل بگیرد.

چرا یورو به وجود آمد و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

صندوق همکاری‌های پولی اروپا (EMCF) در سال ۱۹۷۳ به منظور تثبیت نرخ مبادله ارز ایجاد شد. صندوق همکاری‌های پولی اروپا بعدها با موسسه پولی اروپا که در سال ۱۹۹۴ تاسیس شد جایگزین شد و بعد از ایجاد بانک مرکزی در ژوئن در سال ۱۹۹۸ به کارش خاتمه داد.

نظام پولی اروپا (EMS) در ماه مارس سال ۱۹۷۹ به منظور تثبیت نرخ‌های ارز کشورهای عضو به واحد پول اروپایی (ECU) از طریق مکانیزم نرخ ارز اروپایی (ERM) که در سال ۱۹۹۸ برای مقابله با نرخ تورم و تثبیت بیشتر نرخ ارز با ERM II جایگزین شده بود، ایجاد شد. در نشست شورای اروپا در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۸، طرح کلی همکاری‌های پولی آغاز شد؛ فرانسه، ایتالیا و رهبران جامعه اروپایی یک اتحادیه کاملاً پولی با یک بانک مرکزی را حمایت کردند، به شدت با مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا مخالفت کردند.

تا ۷ فوریه ۱۹۹۲، که پیمان ماستریخت (Maastricht Treaty) امضا شد و ایده همکاری‌های پولی اروپا را به سطح جدید و به مراتب بلندپروازانه‌تری افزایش داد. در این پیمان تعیین شد تا آخر ژانویه سال ۱۹۹۹ ارزهای ملی کشورهای عضو با یک ارز واحد جایگزین شود و کشورها باید از معیارهای خاصی پیروی کنند.



معیارهای همگرایی یورو که به معیارهای ماستریخت هم شناخته می‌شود، تعهدات اصلی کشورهای عضو [اتحادیه اروپا](#) است که یورو را به عنوان واحد پول رسمی خود پذیرفته‌اند. خلاصه‌ای از معیارهای همگرایی یورو به شرح ذیل است:

نرخ تورم

نرخ تورم کشورها نباید بیشتر از $5/1$ درصد از میانگین سه کشور برتر عضو اتحادیه اروپا باشد.

امور مالی دولت

کسری بودجه سالانه: نسبت کسری بودجه سالانه به تولید ناخالص داخلی نباید در پایان سال مالی از 3 درصد تجاوز کند. تنها در موارد خاص کشورهای عضو می‌توانند به صورت موقت بیش از این مقدار کسری بودجه داشته باشند.

[یوروی اروپایی به چه علت نتوانست به ارز ذخیره جهانی تبدیل شود؟](#)

بدهی دولت: نسبت بدهی ناخالص دولت به تولید ناخالص داخلی در پایان سال مالی نباید بیش از 60 درصد باشد. حتی اگر این هدف برای برخی از کشورها قابل دستیابی نباشد،

کشورها باید این میزان را تا حد توان کاهش دهند و به سرعت برای رسیدن به حد تعیین شده تلاش کنند.

نرخ ارز

کشورهای متقاضی باید برای دو سال متوالی به ERM II بپیوندند و در طول این دوره نباید ارزش ارز خود را کاهش دهند.

نرخ بهره بلند مدت

نرخ بهره اسمی بلند مدت نباید بیش از ۲ درصد از میانگین ۳ کشور عضو دارای کمترین تورم تجاوز کند.

این معیارها به منظور حفظ ثبات قیمت در منطقه یورو حتی با ورود اعضای جدید در نظر گرفته شده است. [بانک مرکزی اروپا](#) که دفتر مرکزی آن در فرانکفورت آلمان قرار دارد، بر فعالیت بانکهای مرکزی کشورها نظارت می‌نماید و برای هماهنگی بیشتر خدمات پولی و نقدی در منطقه یورو فعالیت می‌کند. بانکهای مرکزی کشورهای عضو مسئولیت عملکرد سیستم‌های توزیع پول خود را بر عهده دارند.

بحران یورو



بحران یورو از آنجا شروع شد که در ابتدای سال دوازدهم [قیمت یورو](#) پس از شروع به کار در ۱۵ ژانویه سال ۲۰۰۲ نسبت به دلار سقوط کرد و ارزش آن به ۸۱۱۵/۰ دلار رسید.

با وجود این بحران یورو ، اندکی بعد یعنی در نوامبر ۲۰۰۲ به حدود ۹۹۷۱/۰ دلار رسید. پس از آن یورو رشد قابل قبولی داشت و در سال ۲۰۰۴ و ارزش هر واحد یورو تقریباً به ۳۵/۱ دلار رسید و در نهایت در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۰۸ به بالاترین ارزش خود دست پیدا کرد و هر واحد یورو با ارزش ۵۹۱۶/۱ دلار معامله می‌شد.

چرا برخی کشورهای اروپایی یورو را به عنوان ارز رسمی خود نپذیرفته‌اند؟

ضمناً کشورها عضو باید از یک پیمان رشد و ثبات خاصی مشابه معیارهای کسری بودجه و بدهی که به عنوان معیارهای ماستریخت مشهور است تبعیت کنند. با این حال، برخی از کشورهای منطقه یورو، بدون اقدامی از جانب اتحادیه اروپا، این معیارها را نقض کرده‌اند و منجر به بحران بدهی‌های قاره‌ای و بحران یورو شده‌اند.

منطقه یورو تا قبل از سه ماهه سوم سال ۲۰۰۸ به بحران اقتصادی و بحران یورو وارد نشده بود. اما اتحادیه اروپا در سه ماهه دوم، سوم و چهارم سال ۲۰۰۸ و همچنین سه ماهه نخست سال ۲۰۰۹ رشد منفی را تجربه کرد. در اواخر سال ۲۰۰۹ مشخص شد چندین کشور در منطقه یورو با بحران‌های مالی شدیدی مواجه هستند و به دلیل ماهیت همگرایی منطقه یورو بر کل اتحادیه اروپا اثر منفی گذاشت و نرخ رشد را منفی کرد.

یونان



جالب است بدانید اقتصاد یونان در خلال سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ نرخ رشد سالانه ۲/۴ درصد را تجربه کرده بود اما کاهش یارانه پرداختی به دولت یونان این کشور را با کسری بودجه بزرگی مواجه کرد. علاوه بر این، از زمان پذیرش یورو نسبت بدهی یونان به تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۰۰ درصد باقی مانده بود.

بحران ارزی چیست و چگونه به وقوع می‌پیوندد؟

یونان به طور جدی تحت تاثیر بحران مالی جهانی در از سال ۲۰۰۸ شروع شده بود قرار گرفت. دو مورد از بزرگترین صنایع این کشور که گردشگری و حمل و نقل بود به شدت تحت تاثیر رکود قرار گرفت. در سال ۲۰۱۰ مشخص شد دولت یونان به منظور رسیدن به معیارهای اتحادیه اروپا بسیاری از وام‌های خود را مخفی کرده بود.

این نگرانی از یونان به سایر کشورهای بدهکار هم گسترش یافت. در معیارهای ماستریخت آمده است که کشور عضو منطقه یورو باید کسری بودجه کمتر از ۳ درصد داشته باشد اما این میزان در سال ۲۰۱۰، یونان ۱۳ درصد، اسپانیا ۴/۱۱ درصد و پرتغال ۳/۹ درصد بود. در سال ۲۰۱۰ دولت یونان برای تامین نیازهای بودجه خود از اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول تقاضای ۴۵ میلیارد یورو وام کرد. در نهایت اتحادیه اروپا با شرط اقدامات ریاضت اقتصادی (سیاست‌های کاهش کسری بودجه، مصرف عمومی کمتر و کاهش میزان مزایا و خدمات عمومی ارائه شده) پذیرفت ۱۱۰ میلیارد وام سه ساله به یونان پرداخت کند.

ایرلند



بر خلاف یونان، بحران مالی ایرلند در اثر هزینه‌های بیش از اندازه دولت نبود بلکه در اثر سرمایه‌گذاری‌های ضعیف بود. بدهی‌های دولت ایرلند ۴۳ برابر بیشتر از درآمدهای سالانه این کشور بود؛ در حالی که بدهی یونان تنها ۵/۸ برابر درآمد این کشور بود. دولت ایرلند غیر ممکن بود بدون کمک‌های خارجی بتواند سیستم بانکی خود را اصلاح کند، بنابراین مانند یونان ایرلند هم در سال ۲۰۱۰ با پذیرفتن طرح ریاضت اقتصادی ۵/۶۷ میلیارد یورو وام دریافت کرد که البته اوضاع را برای بانک‌های ایرلند بدتر از قبل می‌کرد.

تنها کشورهایی که در طی همه این سال‌ها و بحران‌های مالی به وجود آمده توانستند اوضاع اقتصادی خود را نسبتاً حفظ کنند فرانسه و آلمان بودند؛ در حالی که همواره صحبت از این بود که کشورهایی که اوضاع اقتصادی پایداری ندارند از اتحادیه یورو کنار گذاشته شوند اما همچنان با تصمیم بانکی مرکزی اروپا، فرانسه و آلمان کشورهایی مانند یونان عضو این اتحادیه قرار دارند.

صرف نظر از مزایای خروج کشورهای ضعیف از اتحادیه یورو، اگر کشوری این اتحادیه را ترک کند به موقعیت و اعتماد به نفس این اتحادیه صدمه وارد خواهد شد و ممکن است جایگاهش را به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزهای رایج بین‌المللی از دست بدهد. چرا که با

وجود همه بحران‌ها و بحران یورو ، ارزش هر واحد یورو نسبت به دلار از ۱ کمتر نشده است که نشان می‌دهد همچنان یورو پول با ارزش‌تری نسبت به دلار محسوب می‌شود.

نویسنده : امین بینایی